

نگاهی به ویژگیهای هنری مکتوباتِ امام ربانی^۱

دکتر شعیب احمد*

توفیق احمد انصاری**

چکیده:

امام ربانی شیخ احمد سربندی از عرفای و صوفیای قرن دهم و یازدهم هجری بوده است. وی بوسیله مکتوبات خویش در صحنه سیاسی کشور هند یک تحول و انقلاب چشمگیر پدید می آورد. این نامه های که به نام "مکتوبات امام ربانی" معروف اند، به استثنائی برخی، به زبان فارسی اند. این مکتوبات به سبب پایه علمی شان "امهات التصوف" گفته می شوند، علاوه بر این، بهترین نمونه نثر فنی و عالمانه قرن دهم و یازدهم هجری را فراهم می آورد.

نگارنده در این مقاله پس از معرفی شخصیت امام ربانی و معرفی مکتوبات و چاپ و ترجمه های آنها، به بیان مهم ترین ویژگی های هنری این نامه ها می پردازد. برای این منظور نگارنده پس از مطالعه دقیق نخست صد مکتوب امام ربانی، صناعات ادبی و ویژگیهای هنری این نامه ها را بررسی نموده است و نتایج این بررسی مفصلی را به صورت بسیار فشرده و اجمالی به صورت این مقاله کوتاه ارایه کرده است. نگارنده هنگام بحث در مورد ویژگیهای هنری، مثال های از مکتوبات هم آورده است تا خوانندگان همراه اهمیت ادبی این نامه ها، با شیوه و اسلوب نویسندگی امام ربانی هم کمی آگاه تر بشوند.

واژه های کلیدی: امام ربانی، مکتوبات، اهمیت ادبی، ویژگی های هنری، صناعات ادبی، نثر فنی، نثر عالمانه

* عضو هیات علمی گروه زبان ادبیات فارسی، دانشگاه پنجاب، لاهور پاکستان

** دانشجوی دوره دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پنجاب، لاهور- پاکستان

امام ربانی شیخ احمد فاروقی سرهندی ملقب به مجدد الف ثانی فرزند عبدالاحد فاروق در سال ۹۷۱هـ/۱۵۶۳-۱۵۶۳ م در قریه سرهند در کشور هند چشم به جهان گشود (کشمی/۱۳۱) به گفته مورخان نسبِ امام ربانی با ۲۶ واسطه به خلیفه دوم سیدنا حضرت عمر فاروق می پیوندد.

امام ربانی تحصیلات ابتدایی خویش را در همان قریه سرهند نزد پدرش آغاز نمود و پس از آن از تعدادی از دانشمندان دینی آن عصر استفاده نمود (اکرام/۲۲۲). امام ربانی در هفده سالگی تحصیلات خویش را به اتمام رسانید و برای مدتی به شهر آگره که در آن روزگار پایه تخت دولت گورکانیان هند بود و به نام "اکبر آباد" معروف بود، رفت و به درس و تدریس پرداخت. امام ربانی از طرف پدرش، که خلیفه شیخ رکن الدین فرزند مولانا عبدالقدوس گنگوهری بود و در سلاسل قادریه و چشتیه صابریه صاحب خرقه بود، سهم وافر معنوی یافت و کسب فیض نمود. (فاروقی/۲۶). وی در بیست و هفت سالگی با دختر شیخ سلطان تھانیسری ازدواج کرد (اکرام/۲۳۷). در سال ۱۰۰۸هـ/۱۶۰۰-۱۶۰۱ م که سنش به سی و هفت سالگی رسیده بود با حضرت خواجه باقی بالله بیرنگ نقشبندی (۹۷۱ هـ ق/ ۱۵۶۳-۱۵۶۳ م) آشنا شدند و بی درنگ بر دست شان در سلسله نقشبندیه بیعت طریقت نمود. امام ربانی در اندک مدتی که از دو و نیم ماه بیش نبود (فاروقی/ ۲۷) راه سلوک را تمام کرد و در سلسله نقشبندیه از طرف حضرت خواجه باقی بالله خرقه و خلافت یافت. حضرت مجدد الف ثانی تمام عمر را صرف زنده نگهداشتن احکام شریعت و تربیت مریدان کرد. این نتیجه تلاشهای حضرت مجدد بود که سلسله نقشبندیه از کشور هند تا سرزمینهای مصر- و مراکش گسترش یافت و احیاء اسلام در کشور هند رخ نمود. امام ربانی در برابر الحاد و بی دینی که در دربار پادشاه اکبر تیموری (۱۵۵۶-۱۶۰۵ م) داشت پرورش می یافت، مقاومت علمی و عملی نمود و در نتیجه همین کوشش ها تجدید دین در کشور هند رخ داد. این آفتاب رشد و هدایت در سال ۱۰۳۳هـ/۱۶۲۳ م به اثر دم گرفتگی غروب گشت و در قریه سرهند مدفون شد. (اکرام/۲۷۷)

مکتوبات امام ربانی مجموعه نامه های شیخ احمد سرهندی است که به نام مرشد، مریدانش، ارادتمندان، امراء و وزیران دربار و خود به نام پادشاه وقت می نوشت. این مکتوبات در سه دفتر و در سه مجلد مدون شده اند. تعداد نامه ها به ۵۳۶ نامه می رسد. این مجموعه نامه ها در کتب تصوف دارای مقام ویژه ای است و در سر تا سر جهان در میان حلقه های علماء و مشائخ معروف و پسندیده است. این نامه ها از لحاظ استقبال فوق العاد بر امهات کتب تصوف به شمار می آیند. (اردو دائره معارف اسلامیه، ۴۷۹/۲۱) دفتر اول مکتوبات "درة المعرفة" نام دارد که طبق تعداد اصحاب بدرّ دارای ۳۱۳ نامه است. خواجه یار محمد بدخشی طالقانی این دفتر را مرتب کرد (اردو دائره معارف اسلامیه، ۴۷۹/۲۱)، دفتر دوم که "نور الخلائق"

نام دارد. طبق تعداد اسماء الهی مشتمل بر ۹۹ نام است. این دفتر را خواجه عبد الحی ولد چاکر حصارى بنا به گفتهٔ مرشدزاده خویش خواجه محمد معصومفرزند امام ربانی در سال ۱۰۲۸هـ/ ۱۶۱۸ م مرتب کرد. دفتر سیوم که "معرفت الحقایق" نام دارد، دارای ۱۲۴ نام است. این دفتر را مولانا هاشم کشمیری برهانپوری، مؤلف "زبدة المقامات" در سال ۱۰۳۱هـ/ ۱۶۲۱ م مرتب کرد.

نسخه های خطی متعدد از نامه های امام ربانی در سر تا سر جهان وجود داشته است کهن ترین نسخه شناخته شده متعلق به سال ۱۰۵۶ هـ/ ۱۶۴۶ م است. یعنی نسخه مزبور بیست و دو سال پس از درگذشت امام ربانی مرتب شد. (سعید احمد / ۵۹)

هنگامی که چاپ خانه ها در هند رواج یافت چاپ خانه های متعدد متنی فارسی این مکتوبات را منتشر کردند. چاپ های مختلف این نامه ها در ذیل است (سعید احمد / ۶۰)

- ۱ - در سال ۱۲۸۸ هـ/ ۱۸۷۱ م متن کامل نامه ها از دهلی منتشر شد.
- ۲ - در سال ۱۲۹۰ هـ/ ۱۸۷۳ م هر سه دفتر کامل از مطبع خاص مرتضوی دهلی به اهتمام حافظ عزیز الدین احمد مالک مطبع منتشر گشتند.
- ۳ - در طی سال ۱۲۹۴ هـ/ ۱۸۷۷ م تا ۱۳۳۲ هـ/ ۱۹۱۳ م چاپ های چندگانه ای ازین نامه ها از مطبع نولکشور در لکهنو منتشر شد.

۴ - در طی سال ۱۳۲۷ هـ/ ۱۹۰۹ م تا ۱۳۳۴ هـ/ ۱۹۱۵ م مولانا نور احمد امرتسری بعد از تحقیق و تعلیق ها، این نامه ها را در دو بخش از امرتسر چاپ کرد (سعید احمد / ۶۰) که پس از آن همین نسخه را در سال ۱۳۸۴ هـ/ ۱۹۶۴ م شرکت مطبع نور در بازار انارکلی لاهور تجدید چاپ کرد. (اردو دائرة معارف اسلامیة ، ۲۱ / ۳۸۰). از میان چاپ های مزبور تا کنون نسخهٔ مولانا نور احمد امرتسری که به نام نسخهٔ امرتسری معروف است درست ترین و معتبر ترین نسخهٔ مکتوبات امام ربانی به شمار می آید.

ترجمه های مکتوبات امام ربانی

مکتوبات امام ربانی باستثنائی برخی، به زبان فارسی هستند - چون این مکتوبات در اکناف عالم اسلامی در میان حلقه های علماء و صوفیه دارای استقبال ویژه ای اند، چندین دانشمند به ترجمه این مکتوبات به زبان های مختلف پرداختند.

ترجمه های عربی :

به زبان عربی تا حال پنج ترجمه وجود دارد. از میان آنها چهار تا کامل اند اما یک ترجمه ناتمام مشتمل بر ترجمه ابتدائی چند مکتوب است (سعید احمد / ۶۱).

ترجمه های ترکی :

سه تا ترجمه مکتوبات به زبان ترکی در دست است (سعید احمد / ۶۲)

ترجمه های اردو :

به زبان اردو تا حال دو تا ترجمه کامل وجود دارد. یکی را قاضی عالم الدین نقشبندی و دیگری را محمد سعید احمد نقشبندی، که خطیب و امام مسجدِ داتا گنج بخش لاهور بود، انجام داد (اردو دائرة معارف اسلامیه، ۲۸۱/۲۱). افزون بر آن چند تا گزیده مکتوبات و ترجمه های ناتمام که فقط چند تا نام را احاطه می کنند، وجود دارند (سعید احمد / ۶۲).

ترجمه های انگلیسی:

به زبان انگلیسی تا حال هیچ ترجمه کامل وجود ندارد اما به همت دانشمندان دو تا ترجمه ناتمام از گزیده مکتوبات تا اکنون به چاپ رسیده اند. افزون بر آن یک مقایسه از نکات تصوف و شریعت، که در مکتوبات مذکور اند، هم وجود دارد (سعید احمد / ۶۳).

با آن که مکتوبات امام ربانی یک مجموعه مکتوبات عارفانه و صوفیانه است اما از اهمیت تاریخی، سیاسی، علمی، ادبی، دینی و عرفانی این نامه ها نمی توان انکار نمود. در مورد مقام علمی و عرفانی این نامه ها از این به خوبی می توانیم حدس بزنیم که با وجود اینکه چهار صد سال از تألیف این نامه ها گذشته است ولی هنوز این نامه ها در حوزه های علمی، خانقاه های صوفیه و دانشگاه های معتبر و بزرگ جهان با نگاه شوق و تحقیق خوانده می شود. تراجم این نامه ها به زبانهای مختلف نشانگر شهرت این نامه ها است. مکتوبات امام ربانی از بلاد عرب گرفته تا بنگال یک عالم را شیفته خود ساخت.

این نامه ها بهترین نمونه ادبیات انشایی در قرن دهم هجری اند. زمانی که امام ربانی این نامه ها را می نوشت، در سر تا سر هند شهره انشاء ابوالفضل و فیضی بود، اما آوازه این شاهکار علمی و دینی تا زمانی که جهان باقی است خواهد ماند. با وجود این که نامه نویسی پیش از حضرت مجدد در میان علماء و مشائخ رایج بود ولی بیان مسائل فلسفه، تصوف و کیفیات و مقامات طریقت به وسیله نامه نویسی، آن هم با اسلوب محکم عالمانه، که گاه بسیار ساده و گاه به شیوه شاعرانه جلوه می نماید، در طول تاریخ نامه نویسی عرفانی نظیری ندارد. تا زمان حضرت مجدد الف ثانی (۹۷۱ هـ / ۱۵۶۲ء - ۱۰۳۲ هـ / ۱۶۲۳ م) چندین سبک ادبی یا شیوه نویسندگی به وجود آمده بودند که مهم ترین آنان :

۱- سبک مرسل ساده (از ۳۴۰ هـ تا ۵۲۵ هـ رواج داشت)

۲- سبک مرسل عالی (نزدیک به ۴۵۰ هـ رواج گرفت)

۳ - سبک فنی مرسل

۴ - سبک فنی (از ۷۰۰ ه تا ۱۲۰۰ ه رواج داشت) (بهار، ۱ / ۲۸۴-۲۸۹)

دوره زندگی حضرت مجدد الف ثانی روزگار اوج سبک نثر فنی بود پس وجود ویژگیهای سبک نثر فنی در آثار حضرت مجدد الف ثانی ناگزیر بود. اما آمیزش ویژگیهای نثر مرسل ساده و مرسل عالی با نثر فنی، این نامه ها را از آثار هم زمان دیگر امتیاز ویژه ای می بخشد. ما در ذیل مهم ترین ویژگیهای هنری نثر امام ربانی را با مثال های از مکتوبات وی ارایه خواهیم نمود، تا گوشه های پنهان شیوه نویسنده حضرت مجدد الف ثانی کمی آشکار تر بشود و شیفتگان آثار صوفیه از مقام و اهمیت و اسلوب این نامه ها آگاه تر بشوند.

ویژگیهای هنری نامه ها

تشبیهات :

در لغت به معنی مانند کردن و در اصطلاح بیان به معنی کشف و نشان دادن شباهت دو کس، دو چیز یا دو امر متفاوت است، که در صفت یا صفاتی مشترک باشند (فرهنگنامه ادبی فارسی، جلد دوم/ ۳۵۹). شیوه تشبیه جناب مجدد الف ثانی بسیار متنوع است در نثر وی در کنار تشبیهات ساده، تشبیهات بلیغ، محسوس، غیر محسوس، توضیحی و تشبیهات استدلالی هم دیده می شوند. امام ربانی معمولاً در تشبیه رعایت اراکان تشبیه می نماید ولی کم کم نمونه های تشبیهاتی که در آن حرف تشبیه وجود نداشته باشد، هم به چشم می خورد. وی معمولاً به عنوان حرف تشبیه از کلماتی، در رنگ، چنانکه، همچو، به مثابه و مثل استفاده می کند. شائسته ذکر می دانیم که در تشبیهات امام ربانی استفاده از حرف تشبیه ویژه سبک هندی "در رنگ" بسامد فوق العاده ای دارد که حاکی از تاثیر سبک هندی بر نثر مجدد الف ثانی است. نمونه های تشبیه عربی با استفاده حرف تشبیه عربی هم گاه گاه یافته می شود. در نمونه های تشبیهات که ما در ذیل ارایه نموده ایم، این نکات مزبور به وضوح دیده می شوند.

- "پیش ایشان تمام گداخته آب شده می رفتم." : مکتوب ۱/صفحه ۴
- "مدتها از علوم و معارف و از احوال و مقامات در رنگ ابر نیسان ریختند ---" : ۱۰۰/۳۷
- "بادشاه نسبت به عالم در رنگ دل است نسبت به بدن ---" : ۲۲/۴۷
- "صورت آن مقام را در ماوراء وحدت چنان می بیند که اگره ماورای دهلی است." : ۳۱/۱۱
- "اثر آن توجه هنوز باقی است در نسبته جزیه کالزوح فی الجسد است و کالتور فی الظلمة." نمونه تشبیه غیر محسوس و محسوس
- : ۳۸/۱۵

- "مرتبه وجوب که جامع صفات کلیه است ظاهر شد و به صورت زن غیر جمیل مسود اللون متمثل گشت و پس ازان مرتبه احدیت به صورت مرد دراز بالا که بر دیوار باریک پهن ایستاده است متمثل گشت." : ۳۴/۱۲
نمونه تشبیه محسوس
- "بر این تقدیر افعال را مناط ثواب و عقاب ساختن غیر معقول است در رنگ آنست که سنگی را به امری مکلف سازند." - نمونه تشبیه توضیحی و استدلالی - : ۲۷/۱۸
- "کبرپائی او ازان بلند تر است که زبان زده مثل من هرزه گوی گردد." : ۸۱/۳۰

کنایه:

کنایه در لغت به معنی پوشیده سخن گفتن و در اصطلاح ادبی سخنی است که دو معنی داشته باشد یکی نزد به ذهن و دیگری دور از ذهن و گوینده این سخن را به گونه ای بگوید که ذهن شنونده را از معنی نزدیک به معنی دور رهنون شود (فرهنگنامه ادبی فارسی، جلد دوم/ ۱۱۶۳) - نمونه های کنایه در مکتوبات به فراوانی یافته می شوند، در ذیل فقط چند را ارایه می کنیم

- "پای من یاری نمی کند" کنایه از عجز و ناتوانی است. : مکتوب ۳/ صفحه ۱۰
- "این فقراء بی سرو پا را --- بی سر و پا بودن کنایه از بی چارگی، عجز و درماندگی است. : ۱۶/۲۵
- "ما مردم فقراء بی دست و پا ازین دولت محرومیم --- بی دست و پا بودن کنایه از لاچار ، عاجز و درمانده بودن است. : ۵۲/۶۵
- "اگر تمتعات دنیوی را اندک اعتبار می بود برابر سر موی بر کفار بدکردار تجویز نمی فرمودند." : ۹۲/۸۹
- سر مو یا سر موی کنایه از اندک ترین بودن چیزی است.
- "در شصت گهزی روز و شب دو گهزی صرف طاعت حق سبحانه نشود ---" دو گهزی که اصطلاح بومی هند است کنایه از مدت اندک است. : ۹۹/۹۶
- "به خاطر بود که یک مسئله اجالی استدلالی را مفصل بنویسم اما کاغذ کوتاهی کرد." - این کنایه از کمپایی کاغذ و ابزار نوشتاری است که به عنوان دلیلی از کوتاه نویسی آورده اند. : ۸۵/۳۰
- "شرم باید کرد و از خواب خرگوش خود را باید بر آورد." : ۶۶/۷۳
- "خواب خرگوش تا چند خواهد بود آخر رسوائی است." خواب خرگوش کنایه از غفلت است : ۱۰۷/۹۸
- "اعتراض بر اهل الله --- نباید کرد و آنرا سمّ قاتل باید انگاشت." : ۷۸/۷۸

استعارات:

استعاره در لغت به معنی عاریت خواستن و در اصطلاح ادبی آوردن و نشان دادن چیزی است در لفظ به جای چیز دیگری به علت وجود شباهت میان آن دو. در واقع استعاره نوعی تشبیه است که مشبه، وجه شبه و ادات تشبیه در آن حذف شده و از اجزای تشبیه تنها از مشبه به یاد شده باشد (فرهنگنامه ادبی فارسی، جلد دوم/ ۸۳) - چند تا نمونه استعارات جالب از مکتوبات تقدیم خوانندگان می کنیم-

○ "کبریا یی او ازان بلند تر است که زبان زده مثل من مرزه گوی گردد چون ازنی چونچه گوید محدث از قدیم چه جوید مکانی در لا مکانی تا چند پوید - بیچاره از بیرون خود چیزی ندارد و در ماورای خود گزری ندارد -" در عبارت مذکوره امام ربانی چون، محدث، مکانی و بیچاره را استعاره برای خویش ساخت و بی چون، قدیم و لامکانی را استعارات برای ذات حق تعالی ساخت - مکتوب ۳۰/ صفحه ۸۱

○ "موسم نوروز رسیده است و معلوم است که آن ایام اهلایان معامله را در تفرقه می دارد و بعد از مضمی- آن هنگامه اگر اراده خداوندی جل سلطانہ مساعدت نمود امیدوار---" در این عبارت امام ربانی واژه هنگامه را به عنوان استعاره برای تشریفات جشن نوروز آورده است - : ۱۵/۴۴

○ "مرحمت نامه گرامی که از روی کرم نامزد این مخلص ساخته بودند به وُرود آن مبتهج گردید و به مطالعۀ آن مشرف گشت چه نعمتی است که آزادان یاد گرفتاران کنند و چه دولتی است که رسیدگان غمخوارگی مهجوران نمایند -" در عبارت مزبور امام ربانی واژگان "گرفتاران" و "مهجوران" را به عنوان استعارات برای خویش آورده است و "آزادان" و "رسیدگان" را استعاره برای مکتوب الیه ساخته است - : ۷۷/۲۸

○ "گوئیم روح انسانی را پیش از تعلق به این پیکر هیولانی راه ترقی مسدود بود ---حق سبحانه و تعالی از کمال کرم خویش آن جوهر نورانی را به این پیکر ظلمانی جمع فرموده-": ۱۰۷/۹۹ - در این عبارت امام ربانی جوهر نورانی و پیکر ظلمانی را به ترتیب به عنوان استعارات برای روح و جسم آوردند-

مراعات النظیر:

در اصطلاح بدیع آن است که گوینده، کلماتی در سخن بیاورد که با یکدیگر متناسب باشند و در واقع برخی از واژه های کلام، اجزای از یک کل باشند و از این جهت میان آنها ارتباط و تناسب باشد (انوشه - (۱۲۴۰/

○ "شهود کجا است و شاهد کیست و مشهود چیست ؟": ۲۰/۸

نمونه فوق یاد آور بیت غالب دهلوی است :

اصل شهود و شاهد و مشهود ایک ہے حیران ہوں پھر مشاہدہ ہے کس حساب میں

- " بعضی دیگر را منشاء این احکام غلبه محبت است که به واسطه استیلاء حب محبوب، غیر محبوب از نظر محب می خیزد و جز محبوب هیچ نمی بیند - " :مکتوب ۳۱ / صفحه ۸۸ در این مثال بالا وازگان محبت ، حب ، محبوب ، محب باهم ارتباط دارند بهترین نمونه مراعات النظیر اند -
- " می داند که ستاره ها معدوم نیستند بلکه میداند که هستند اما مستورند و در شعشان نور آفتاب مغلوبند- " : ۸/۴۳ وازگان ستاره، آفتاب، نور، شعشان باهم مرتبط اند و بهترین نمونه مراعات النظیر اند-
- " امروز غربا اهل اسلام را درین طور گرداب ضلالت امید نجات هم از سفینه اهل بیت خیر البشر- است- --- " : ۲۷/۵۱
- " در ذات و صفات تعالی و تقدس و حشر و نشر- و ارسال رسل و نزول ملک و ورود وحی و نعيم جنت و عذاب جحیم- --- " : ۴۷/۶۳

تمثیل:

- تمثیل به معنی مثال آوردن و تشبیه کردن ، صورت چیزی را مصور کردن و داستان آوردن است اما در اصطلاح ادبی گونه ای تصویر یا داستانی است که پشت معنای لفظی معنای دیگر هم پنهان باشند به الفاظ دیگر تمثیل شیوه ای است که بوسیله آن تمثیل پرداز مفاهیم عقلی یا روحی یا غیر ملموس را به زبان مادی و ملموس بیان می کند (فرهنگنامه ادبی فارسی ، جلد دوم / ۴۰۴) - در نثر حضرت مجددؒ ، جایی که نیاز به توضیح نکته می باشد، وفور تمثیلات دیدنی است- امام ربانی برای بیان نکات، در آوردن تمثیلات دل به دریا می زد- شیوه تمثیلات او مثل تشبیهاتش گونا گونی دارد، اما تمثیلات را به ویژه ای با اسلوب بسیار سهل، روان و ساده بیان می کند تا هیچ پیچیدگی باقی نماند و نکته اساسی روشن بشود- در نثر امام ربانی نمونه های تمثیلات ساده، تلمیحی، محسوس، غیر محسوس، استدلالی و مرکب یعنی تمثیلی در بیان تمثیل دیگر، جا بجا دیده می شوند علاوه بر آن کثرت تمثیلات برای بیان یک نکته ویژگی چشمگیر نثر امام ربانی است-
- " و فوق محد آن مقدار عروج واقع شد که مرکز خاک تا محد یا اندکی کتر ازین " :مکتوب ۱ / صفحه ۵ نمونه تمثیل ساده-
 - " مثلاً شخصی سنگی را دید که از بالا به پایان آمد به تحریک محرکی و حیوانی را هلاک ساخت آن شخص هم چنانکه آن سنگ را جاد میداند فعل او را که حرکت است نیز جاد می داند --- " : ۴۷/۱۸ - این نمونه تمثیل استدلالی و توضیحی است-
 - " امروز عمل قلیل را که مقرون به تصدیق حقیقت دین اوست علیه الصلوة والسلام به عمل کثیر بر می دارند اصحاب کهف این همه درجات که یافتند به واسطه یک حسنه است و آن هجرت بود از دشمنان حق سبحانه و تعالی به نور یقین ایمانی در وقت استیلاء معاندان " : مکتوب ۴۴ / صفحه ۱۵

در این عبارت امام ربانی برای توضیح یک نقطه تمثیلِ اصحابِ کُهِف آورده است که بهترین نمونه تمثیل تلمیحی است

○ "مثلاً صفرائی تا زمانی که به علت صفر گرفتار است، شیرینی قند و نبات نزد او محتاج به دلیل است - لیکن بعد از خلاصی ازان علت هیچ احتیاج به دلیل ندارد. ----- پیچاره احوال، که واحد شخص را اثنین می بیند و حکم به عدم وحدت آن شخص میکند، معذور است." : ۲۰/۴۶

عبارت فوق بهترین نمونه تمثیل مرکب است - یعنی آوردن تمثیل برای روشن ساختن تمثیل پیشین که در بیان نکته اساسی آورده بودند

○ "مثل خود را مثل آن زال می انگارد که ريسان چند تنیده خود را در سلک خرداران حضرت یوسف علی نبینا و علیه الصلوة والسلام ساخته بود." : ۲۳/۴۷
این نمونه تمثیل تلمیحی است

تجسیم:

تجسیم یا تشخیص در لغت به معنی تغییر دادن و شخصیت بخشیدن است و در اصطلاح بیان و نقد ادبی انتساب ویژگی یا احساسات انسانی به اشیای بی جان و شخصیت بخشیدن به موجودات غیر بشری یا اندیشه های انتزاعی است (فرهنگنامه ادبی فارسی، جلد دوم / ۳۶۱ -).

○ "دنيا به ظاهر شیرین است و به صورت طراوت دارد." : ۲۶/۵۰

○ "ناگاه عنایت بی غایت حضرت الله جل سلطانۀ از دریچه غیب در عرصۀ ظهور آمد و پرده روپوش بی چونی و بی چگونگی را بر انداخت." : ۸۶/۳۱

○ "فلسفی که دیده بصیرت او به کحل متابعت صاحب شریعت علیه و علی اله الصلوة والسلام و التحیه مکتحل نشده است از حقیقت عالم امر ناپیدا است." : ۹۶/۳۴

این نمونه تجسیم در بطن خویش تشبیه بلیغ هم دارد، امام ربانی بصیرت فلسفی را مثل آدم مجسم می ساختند که دارای چشم است و از کحل استفاده می کند، و متابعت صاحب شریعت یعنی پیروی سنت نبوی را به کحل تشبیه بلیغ داده اند که در حق چشم آن بصیرت اکسیر است.

ایهام:

در لغت به معنی گمان انداختن و پوشاندن است و در اصطلاح بدیع آوردن واژه ای در کلام است که دو معنی داشته باشد، یکی نزدیک به ذهن و دیگری دور از ذهن و هدف گوینده اغلب معنی دور باشد (انوشه، ۱۸۲ -).

- " دنیا به ظاهر شیرین است و به صورت طراوت دارد و فی الحقیقت ستمی است قاتل و متاعی است باطل و گرفتاری است لاطائل مقبول او مخذول است و مفتون او مجنون- " : مکتوب ۵۰/صفحه ۲۶
- در عبارت فوق واژه شیرین ایهام پیدا می کند چون دو معنی دارد یکی شیرین به معنی قند و نبات و دیگر شیرین شخصیت داستان است که فرهاد بر او مفتون شده بود.

تلمیح:

در لغت به معنی اشاره کردن و در اصطلاح بدیع به معنی اشاره به قصه، شعر، مثل، تعبیری، فرهنگ عامه، عقاید و آداب و رسوم و علوم قدیمی است (فرهنگنامه ادبی فارسی، جلد دوم/ ۴۰۳). در تلمیحاتِ امام ربانی رنگ دینی بسیار غالب است. وی برای تلمیحات معمولاً از آیات قرآنی و احادیث نبوی استفاده می کند.

- " آرزو یقیق اعلی داشتم " نمونه تلمیح از قول نبی آخر الزمان ﷺ است : ۵/۱
- " وصارت تلك التجلیات كان لم یکن شیئاً مذکوراً " نمونه تلمیح آیت قرآنی است : ۵/۱
- " شهر رمضان الذی انزل فیہ القرآن " نمونه تلمیح آیت قرآنی است : ۱۰/۴
- " هفتاد و دو ملت که راه ضلالت اختیار کرده اند مقتدایان اینها علماء سو بودند. " تلمیح حدیث مبارکه است که در آن تذکره هفتاد و دو فرقه آمده است : ۲۳/۴۷
- " در اظهار حق نوعی از مرارت است --- می باید که این مرارت را در رنگ عسل بیاشامد و هل من مزید گوید- " : ۵۵/۶۷ هل من مزید تلمیح آیه قرآن پاک است

تضاد و پارادوکس :

تضاد به معنی برابر کردن و در اصطلاح بدیع آن است که دو کلمه متضاد المعانی را در سخن بیاورند. پارادوکس به معنی گفته متناقض و مهمل نما و امر خلاف عرف است و در اصطلاح آن کلامی است که در ظاهر متناقض و بی معنی باشد اما از راه تاویل معنای نهفته و پنهانش آشکار شود (انوشه، ۲۷۴). در زیر چند تا نمونه های جالب از تضاد و پارادوکس را ارایه می کنیم-

- " این ذم معنی مدح پیدا کرد و این شرارت و نقصان محل خبر و کمال گشت. " : مکتوب ۹/صفحه ۲۲
- "عجائب کاروبار است نهایت بعد را قرب نامیده اند و غایت فراق را وصل گفته اند - " : ۲۴/۱۰
- " از وصل جز فصل و از قرب جز بعد حاصل نشد و از معرفت جز نکرت و از علم جز جهل نیفزود " : ۴۲/۱۸
- " در عین حیرت و بی نشانی به علم و شعور است، و نفس غیبت حضور است باوجود علم و معرفت جز ازدیاد جهل و نکرت نیست " : ۴۲/۱۸

- "پایان تر از آن مقام نبوت است که فی الحقیقت بالاتر است." : ۲۴/۱۸
- "چون در اختیار آزادی گرفتاری دید به منت گرفتاری گزید ---" : ۷۷/۲۸ در اختیار آزادی گرفتاری دیدن تضاد است -

سجع :

سجع در لغت به معنی آواز کبوتر و در اصطلاح بدیع آن ست که گوینده در سخن از کلماتی استفاده کند که یا هم وزن باشند و یا در حرف روی مشترک باشند، و یا در وزن و حرف روی یکسان باشند (فرهنگنامه ادبی فارسی، جلد دوم/ ۸۰۲). در نثر حضرت مجدد الف ثانی نمونه های سجع هم وجود دارند. سجع که گاه به زبان فارسی و گاه به زبان عربی یافته می شود، نشانگر چیرگی و تسلط وی بر زبان و بیان است. اما سجع به زبان فارسی بسامد زیادی دارد. کیفیت سجع که در نثر وی وجود دارد معمولاً سجع دو لختی و سه لختی است اما بسامد دو لختی از لحاظ سه لختی خیلی زیاد است. در سجع دو لختی نمونه های سجع یافته می شوند که گاه بخش اولیش از لحاظ بخش دومش بلند تر و طولانی می باشد و گاه کوتاه تر، ولی در سجع سه لختی هر سه بخش معمولاً برابر می باشند. ما در ذیل نمونه های سجع از نثر حضرت مجدد را ارایه نموده ایم -

- "آری خیر محض را شریر محض می باید تا حقیقتِ خیریت به ظهور آید." : مکتوب ۹/صفحه ۲۲
- "چون در اختیار آزادی گرفتاری دید به منت گرفتاری گزید -" : نمونه سجع دو لختی : ۷۷/۲۸
- "چون از بی چون چه گوید، محدث از قدیم چه جوید، مکانی در لا مکانی تا چند پوید -" : نمونه سجع سه لختی : ۸۱/۳۰ :-
- "عبد مملوک لا یقدر علی شیء را چه رسد که به وجه از وجوه بخداوند خود جل سلطانۀ مشارکت جوید و در راه خداوندی پوید علی الخصوص در ---" : سجع دو لختی که بخش اولش طولانی و بخش دومش بسیار کوتاه است :- ۶۹/۷۴

- "هر چند هر چه گفته می شود از دوست، نه سخن اوست." : سجع دو لختی که قسمت دومش از قسمت اولیش خیلی کوتاه است : ۸۷/۸۴

- "آه هزار آه از بی نهایتی این راه- سیر به این سرعت و واردات و عنایات به این کثرت ازین جا است که مشایخ عظام فرموده اند سیر الی الله پنجاه هزار ساله راه است -" : نمونه های سجع دو لختی که قسمت اول از قسمت دوم کوتاه تر است :- ۳۳/۱۳

حضرت مجدد الف ثانی نام فقط یک شخصیت نیست بلکه نام یک اندیشه و شیوه خاصی است که در زمینه سیاست و فرهنگ هند تأثیری چشمگیر گذاشت و در صحنه این نکته اهمیت ادبی این نامه ها دو چندان می شود. شیوه نویسندگی امام ربانی دانشمند و نویسندگان متاخر را تحت تأثیر شدیدی قرار داد طوری که

پس از آن چندین مجموعه نام‌های مشائخ و آثار نویسندگان که از خاتمه مجددیه سرهند تربیت یافتند، یافته می‌شوند که به اسلوبِ امام ربانی نوشته شده است. با وجود این که ما می‌دانیم که احاطه کلی از ویژگیهای هنری مکتوباتِ امام ربانی در این مقاله کوتاه امکان پذیر نیست، ولی به گفته قدما که مولانا در مثنوی اش بدین صورت بیان فرموده اند:

آب دریا را اگر نتوان کشید
هم به قدر تشنگی باید چشید

سعی نموده ایم چند گوشه ادبی این نام‌ها را روشن بسازیم

کتابشناسی منابع:

- احمد سرهندي، شيخ (۱۹۶۲م)، مکتوباتِ امام ربانی، دفتر اول، حواشی و شرح مولانا نور احمد امرتسری، نور کمپنی انارکلی، لاهور
- اردو دائره معارف اسلاميه (۱۹۸۷ م)، زیر اهتمام دانشگاه پنجاب، لاهور
- اکرام، شيخ محمد (۱۹۹۲ م)، رود کوثر، اداره ثقافت اسلامی، لاهور
- بهار، محمد تقی (۱۳۷۰ ش)، سبک شناسی، دوره کامل، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، تهران
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۲۸ ش)، لغت نامه دهخدا، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه، تهران
- سعید احمد، محمد (س ن)، البینات، تنظیم الاسلامی، پبلیکیشنز، گوجرانواله
- فاروقی، زید ابوالحسن (۱۳۹۵ ه)، مقاماتِ اخیار، شاه ابوالخیر اکیڈمی، شاه ابوالخیر مارک دہلی
- فرهنگنامه ادبی فارسی، دانشنامه ادب فارسی (۱۳۸۱ ش) به سرپرستی حسن انوشه، تهران
- کشمی، مولانا هاشم (س ن)، زبدة المقامات، مترجمین ملک فضل الدین ملک چن الدین ملک تاج الدین، نولکشور پریس پرنٹنگ ورکس، لاهور
- معین، دکتر محمد (۱۳۸۷ ش)، فرهنگ فارسی معین (یک جلدی) انتشارات فرهنگ نما، تهران
- مولانا، جلال الدین محمد (۱۳۹۰ ش)، مثنوی معنوی، بر اساس نسخه رینولد نکلسن، انتشارات اشارات طلائی، تهران